

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۹ فبروری ۲۰۲۳



یونس نگاه

## آزادی برای بندگی؟

زمانی که در زمستان ۱۳۶۷ نیروهای متجاوز اتحاد جماهیر شوروی افغانستان را ترک گفتند، بسیاری تصور می‌کردند که سنگ بزرگی از راه آزادی و رفاه کشور برداشته شده است. تنظیم‌ها و احزابی که در جنگ علیه نیروهای شوروی نقش داشتند، تبلیغ می‌کردند که مسیر تاریخ افغانستان، منطقه و حتا جهان را تغییر داده‌اند و عصر تازه‌ای آغاز خواهد شد که ملت افغانستان و در رأس آن تنظیم‌های جهادی چون قهرمانان آزادی احترام خواهند گردید و در کار اداره و دولت‌داری نیز الگو خواهند شد.

اگرچه تنظیم‌ها و رهبران سیاسی که در سوی «پیروز» جنگ قرار داشتند، تصویر روشنی از فردا ترسیم نمی‌توانستند و طرحی برای اداره کشور نداشتند، اما حس افتخار مبهمی را با تبلیغات و شعارهای جهادی میان اقشار مختلف ملت ساری می‌ساختند. هزاران انسانی که برای کسب آزادی و با شعار جهاد بسیج شده و جنگیده بودند، می‌خواستند اثر آزادی را در زندگی خود ببینند و از برکت آن بهره‌مند شوند. با گذشت زمان همه دیدند که آزادی بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را به نبود نیروهای نظامی کشورهای دیگر در خاک خود تقلیل داد. جنگ برای آزادی، نیروهای ضد آزادی بسیاری را در داخل کشور خلق کرده بود که کمتر از تهاجم نیروهای شوروی آفت آزادی نبودند. با گذشت چند سال، «فاتحان» چنان در منجلاب جنگ و جنایت غرق شدند که خروج نیروهای شوروی دیگر چندان حس سرفرازی و افتخار خلق نمی‌کرد.

حال با گذشت سال‌ها و بیمودن پست‌وبلندی‌های بسیار، نهادهای کشور به چنگ گروهی افتاده است که به بهانه تجلیل از روز خروج نیروهای شوروی خود را قهرمان آزادی می‌خواند، در حالی که آزادی فردی و مدنی بسیار ابتدائی چون تعلیم، سفر، حمام، انتخاب نوع لباس، موسیقی و تفریح را از مردم گرفته و کشور را به زندانی بدل کرده‌اند که در آن میلیون‌ها هموطن ما گرفتار گرسنگی، سرکوب و شکنجه روحی وحشیانه و کم‌سابقه شده‌اند. در محفلی که برای تجلیل از خروج نیروهای شوروی از سوی اداره تلویزیون «ملی» تحت تسلط طالبان برگزار شده بود، بسیار از آزادی

لافیدند، ترانه، شعار و آیت خواندند، اما نگرانی از ناتوانی در اداره دولت و ترس از افتادن دوباره کشور به دهان قدرت خارجی دیگر در سخنان کلان‌های طالب آشکار بود.

طالبان این بار نیز راه اسلاف جهادی خود را می‌پیمایند و خطاهای تنظیم‌هایی را تکرار می‌کنند که با ذهنیت فیودالی کشور را تیولی می‌دانستند که هر که با هر وسیله‌ای فتح کرد، صاحبش می‌شود و ساکنان موظف‌اند بیعت کرده برای خان یا اتحادیه خان‌ها باج و جنگ‌جو بدهند. طالبان مانند مستبدان پیش از خود، مردم را مستحق رأی و آزادی نمی‌دانند، از خلق تنها بیعت و فرمان‌برداری می‌طلبند و رابطه متقابل بین مردم و دولت را به رسمیت نمی‌شناسند. آنان خود را چوپان و ملت را گوسفندانی می‌دانند که جز قربانی شدن و سود رساندن به مالکان (امیران و خلیفه‌ها) مأموریت دیگری ندارند. از این رو آزادی را معادل فتح و تصاحب سرزمینی عنوان می‌کنند که قبالة آن از پدران به میراث مانده است. البته این مستبدان قبالة خود را در قاب مذهب عرضه می‌کنند و ادعا دارند که آزادی‌های فردی و حقوق بشری توطئه بیگانگان و بی‌دینان برای سلب آزادی در بندگی خداوند است. خداوند و دین اما تنها وسیله‌اند و آنچه در عمل از مردم انتظار دارند، بندگی و سرسپردگی به امیر و امیرچه‌ها است.